



دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ بهار ۱۵ ریال

اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را  
به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای  
ایران تبریک میگوئیم

## درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

با نزدیک شدن قیام توده ها تمام خلایق خود را بکار  
گرفتند و با استفاده از بمب های آنتی زای علیه پلیس، و با سنگر  
بندی در خیابانها خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند  
صفحه ۲

## حزب توده از مشروطه خواهی تأقیام خلق

سال ۱۳۵۰ - احسان طبری رویزیونیست: هدف مبارزه ما اجرای آن  
مقرراتی است که در قانون اساسی مائاکنون پنج شاه  
به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند!  
سال ۱۳۵۲ - و تنها ۲ ماه قبل از قیام حزب توده از مراعات قانون  
اساسی سخن می گوید! ...  
... زمانی که بگر قیام حتمی است، حزب توده فرصت طلبانه شعار  
"مبارزه مسلحانه" را می دهد!  
صفحه ۱۰

## یکسال پس از قیام: مصاحبه با یک کارگر زن

صفحه ۳

سرهنگ مالک با بیسیم به تیمسار فلاحی: مردم خیلی بمانند  
شده اند و اگر بخوایم جلوگیری کنیم، همه آنها کشته میشوند.  
تیمسار فلاحی: مقاومت کنید الان هلیکوپتر بکمت شما میفرستیم!

## "سیل" بجای "باران رحمت" دروود بر تمامی شهدایی که در راه و از گونی سلطنت

صفحه ۶

و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند





## درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

کارگر دارای نقش قاطعی در سازمان تولید بوده و حضور او در صحنه مبارزاتی به دشمن مردم عموماً و استحکام بیشتری می بخشد.

سلسله مبارزات انقلابی کارگران و توده‌های زحمتکش خود را بیشتر متمرکز ساخته و شکل حادثه‌ای بطوریکه می‌دهد. این نبردها بطور خود بخودی گاه شکل مسلحانه نیز پیدا می‌کند. بنابراین مبارزات فاقدره‌ی واحد انقلابی و منسجم است و از یک تشکیلات سازماندهی مناسب برخوردار نیست ولی علمبرگ این کمیته‌های اساسی مبارزه حاد مردم تضادهای درونی فدا انقلاب را بنحو خیارق - العاده‌ای گسترش داده و آنرا دستخوش تزلزل درونی شدید می نماید. رژیم شاه را و امی دار توده‌های قلی حکومت را بنظر تغییر داده و هر چند وقت به

قوای بیشتری برخوردار بوده و با توسل به مسمیهای آنرا به عملیات قهرآمیز و انقلابی علیه مراکز دشمن مانند بانکها، موسسات فرهنگی امیرالیمتی گیلانتریها و نیروهای ارتش دست می‌زنند.

پس از قیام تیریز خیزشهای مبارزاتی مردم سراسری شده و در تمام ایران گسترش پیدا می‌کند و هر چه مبارزه رشد می‌کند، توده‌ها از خود گذشتگی بیشتری از خود نشان داده و آگاهی و تجربه عملیات خود را ارتقا می‌دهند. جنبش خلقها رژیم شاه را با مبارزات آمریکا نشین

مبارزات مبارزه‌ی مبارز از شرح مختصری از مبارزات مردم در پیش از قیام به ارزیابی از قیام بهمن ماه می بردازیم. ویژگیهای آنرا مورد بررسی قرار می دهیم. زیرا بدون تحلیل صحیح از تجربه‌های مثبت و منفی مبارزات گذشته نمی توان مبارزه و انقلاب را بنحودستی به پیش برد و آنرا به سروزری کامل رساند.

کارگران و مردم زحمتکش ما همیشه علیه رژیم شاه خاش و آریا باش مبارزه می‌کردند. آریا باش عینی زندگی آنرا به مبارزه و امید داشت. زحمتکش کتان ما در اسارت و فقر بوده و آزادی محروم بودند و مثنی بر ما به آرزای لوفت و امیرالیمتی تجار و کارسانها که سر نیزه، تکجه و زندان بر آنکسان حکومت می‌کردند. مردم ما مبارزه می‌کردند چون تحت استعمار و ستم و حشیا نه قرار داشتند.

مبارزات مردم در دوران اخیر با جنبش خانه سازی در خارج از محدوده در سال ۱۳۵۶ اوج نویستی یافت و وارد اعلای خود گشت. این جنبش کسه زحمتکشان در آن شرکت داشتند، شکل قهرآمیز داشت و سمت آن متوجه دستگاههای بیگانه دولت شاه بود. دیگر مردم دریا فته بودند که ضرورت دارد تا بشکست گسترده و توده‌ای وارد میدان مبارزه شده و مبارزات خود را غنای سیاسی بخشد و رژیم حنا بیگانه ربهلوی را در موجهای نبردی آنان خود غرق سازند.

در خارج از محدوده محروم، زحمتکشان طوفان مبارزاتی را برپا کرده بودند و بدینسان آن امواج خروشان جنبش توده‌ها با شعارهای سیاسی مانند: "مرد بر شاه"، "مرد برای حکومت فاشیستی"، "مرد بر آمریکا"

دامنه میگرفت. مردم به این نتیجه رسیده بودند که برای دسترسی به خواستههای انقلابی خود تنها هرات آریا موعبر سیاسی بهیچوجه کافی نیست و برای آزادی کامل خود با بدای رژیم وابسته و خونخوار حاکم و خوشن خدا انقلابی اویطر قهرآمیز و انقلابی رفتار کردند. آنان به این نتیجه رسیده بودند که با بد مبارزات بیگیری را بجلو بردند که منجر به سرنگونی رژیم شاه به داران وابسته گردد.

در همان زمان که لیمیرالهای سازتکار با نامه نوشتن ازشاه آزادی گذاشتی می‌کردند، دانشجویان انقلابی در آن ۶۶ بلند می‌شوند و به مبارزات امیرالیمتی یعنی بانکها حمله ور شده، بیش از ۷۳ بانک را ویران می‌کنند و سپس با بر توده‌های مردم که جان آمده بودند اما منه مبارزه را با هم گسترش می دهند. در دیماه ۵۶ مردم قهرمان قم بلند می‌شوند ولی ارتش مزدور شاه آنرا را که مسلح نبودند بخون می‌کنند. پس از آن در بهمن ماه همان سال مردم دلاور تیریزه خونخواهی شهدا علیه رژیم پیدا دگر بهلوی و آریا باش قیام کرده و از خود در دنیا بخرج می دهند. جنبش تیریز سست به مبارزات قلی یک تحول است. زیرا این مبارزه شکل غا لیمیر یعنی خیزش سده جمعی و قیام نگا کل پیدا کرده، ارتش و آریا باش

● اوج نوی مبارزات خلق از جنبش خانه سازی در سال ۱۳۵۶ آغاز گشت و در اعلای بعدی خود به حرکت آنان ۶۶ دانشجویان انقلابی، دیماه ۵۶ مردم مبارز قم و بهمن ۵۶ تیریز قهرمان و ... منجر گشت.

● در جریان قیام، توده ها عمدتاً بشکل خود بخودی به تشکیل کمیته های اعصاب و شورا های کار - خانه، محلات، ادارات و ... دست زدند، و بدین ترتیب نطفه های قدرت تسوده ای و انقلابی را بوجود آوردند.

جند وقت دولت و سخت و زبرش را تعویب نماید. در مقابل ضربات کوبنده جنبش مردم و ختم آنها شد - انقلاب به سرگوب متمرکز روی می آورد تا بلکه بتواند جنبش را خاموش کند. در ۱۷ شهریور ۵۷ رژیم به یورش و حشانه‌ای دست زده و هزاران نفر از مردم آزادی خواه خلق ما را قتل عام می نماید. رژیم به عست تصور می‌کرد که با این کشتار میتواند تیریز در صفت انقلاب انداخته و آنرا واداره عقب نشینی نماید. ولی مردم تصمیم خود را برای واژگون نمودن بقیه در صفر ۷

زایه استمال و در مانندی بسیار بیشتر می‌گشتند و هر روز تضادهای درونی و آریا باش نسبت می بخشد. طبقه کارگر ایران که با تطهیل کار خا به با اعتماد و نشاط هرات در مبارزات سال ۵۷ شرکت جسته بود، در ادامه تکاملی حرکت خود در مبارزات را بر رژیم شاه وارد می‌سازد. به این صورت که کارگران صنعت نفت به اعتماد سیاسی قاطعی دست زده و شیر - های نفت را بروی جهان خواران بسته و رژیم شاه ضربات سیاسی - اقتصادی مهلکی وارد می آورد. این مبارزه انقلابی یک بار دیگر نشان داد که طبقه



یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ - تمامی ارتش تهران، با آنچه ساز و برگ سبک و سنگین، در برابر سپاه خروشان رژیم شاه، نیاز به کمک داشت. ۵۱ تانک و تریلر ارتش، از گرامشاه حرکت کردند که ارتش تهران را در سرگوب مبارزان راه آزادی مدد رسانند. اما... اما مگر مردم همان گذاشتند. این دلاوران، در یورش منظم و سرسخت، هر ۵۱ تانک و تریلر را از حرکت باز داشتند و نیروی کمکی را تصرف کردند تا خیال جنگجویان مرکز راحت باشد.

**قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امیرالیمت ضربه وارد کند**



حاج معصوم با بهداری را زیر پر بیرمکنند و حاج معصوم با -  
لیستی را بیامی سازد!

ج - سی و سه سال است . در رشت بدینا آدم و دوران  
حکمی راهم در آنجا گذراندم وقتی سیزده ساله  
بودم ازدواج کردم ، البته ازدواج ما میل و  
رضای خود نبود ، با دیگوسم مرا شوهر دادند ،  
سالهای اول ازدواج سخت ترین سالهای  
زندگیم بود . با فامیل شوهرم در یک خانه زندگی  
میکردیم ، اصلاً اختیار زندگیمان بدست خودمان  
نبود ، با ۵۰۶ نفر دیگر در یک اتاق زندگی می -  
کردیم و می بایست با همسازیم ، هر حرفی مادر  
شوهر می زدنا بد اطاعت میکردم ، از صبح تا شب  
خان نمیکندم و کار می کردم و حق کوچکتر -  
اعتزای هم نداشتم ، بسکه کار می کردم کسکی  
و نسکی و سرما و گرمایا حالمان نبود ، اگر هم  
درس یا عادت یا ما رو نامگرمه میشدیم حق  
برداشتن نکهانی را هم نداشتم .

شوهرم در کارخانه آرزایی کار میکرد ، بعد  
از مدتی سگارشند ، قبلاً برای پیدا کردن کار  
سما شهرسا بهارا زریا گذاشته بود حتی سه  
شیراز هم رفت ولی بی نتیجه برگشت تا اینکه  
سالاخره در تهران ما کین شدیم .

دو با بعد از مدتی شوهرم سگارشند ، وضعمان  
خیلی بدتر شد ، در تهران مساجر بودیم ، در این  
دوره سگاری جهدا زهمنده بودیم و کارمان  
هزار بار سخت تر شده بود ، نه تنها لسان بلکه حتی  
نان نت هم نداشتم ، غذای ما که مان و بیاز بود  
از رشت کاهی براسمان مرغ و شیره انگور می -  
آوردند ، غذای بد و رور رجهها هم شیره ویل بود ،  
هیچ وسیله زندگی نداشتم بحریک ریلو و جسد  
شمع ، بچهها کربه میکردند لسان و میوه و کردن  
و مسائل دیگری خواستند و ما هیچ چیزی  
نداشتم که به آنها بدهیم ، حتی یول اچاره خانه  
بقعه در صفحه ۱۱

### یکسال پس از قیام:

## مصاحبه با یک کارگر

فوتبرد ، پس با لایرند ، اگر مردها فوتبرد خاطر  
کاری است که میکنند اگر بکند از زندگی هم همان  
کارها را میکنند آنها هم میتوانستند ، تازه خیلی از  
مردها هم کار را داره ای میکنند این کارها را که همه  
زنها میتوانند بکنند .

امروز سیاست در کوهچا را راست ، زنان و مردان  
و حتی کودکان همه جا خود را در سیاست بهیم میداندند ،  
این همان سبلی است که لیسرا لهای خاش نظیر  
باررگان از آن یاد میکنند ، آری تا وقتی سیاست در  
کوهچو با راست ، خاشین امید چندان بی فردای  
خود ندارند و زحمکنان نیز در دست بیهمین خاطر نیست  
به سر وقت فرزندان خود اظها ریکرانی میکنند ، چرا  
که شقاوت های بسیاری از ارتجاع دیده اند ، محاهد  
شهید "عباس عمادی" یکی از آخرین سوهه های فداوت  
ارتجاع است .

س - در محافل سیاسی شرکت دارند ؟

ج - - کار می کنم ، به آنها بحث میکنم ، در بعضی میتنگ -  
ها هم شرکت میکنم ، بچه های من سگارشایی  
خیلی علاقه دارند ، میدانم همه با لایر هک روز می -  
روند و بر سر می گردند ، ولی دلم میخواهد که  
هر کاری میکنند بکند از دید بچه بقیه مندا براسان  
در دستر دست کند .

س - منمیری از زندگی خود براسان میگوئید .  
مفحات زندگی زحمکنان با رنج و فقر و استثمار  
و ستم رجم خورده است ، آنها شمع با طبقاتی را در  
نمای اساعا دخود صم میکنند و بیس لحاظ نیست  
بدان عمیقاً کینه دارند ، این کینه بیسبب و دیوران -  
سار و آنگاه که انباشته و جمع شود منمیری میگردد و

سما یا حاج معصوم با بهداری آنهم در  
کشوری نظیر کشور ما بسیار زشت و کربهاست ، سرما به -  
داران مانند الوکا رگرگان را استثمار می کنند ، و  
وقتی به آنها نیازند اشتند از کارخانه موسسه خود  
بیرون می کنند ، به پای سخن یک کارگر زن کسه  
دوست دار دیگر افتند ، نه با حال روح خویش زندگی  
کند ، ولی کار نیست ، می نشینم ؛  
س - دلنای می خواهد کار کند ؟

ج - خیلی زیاد ، دلم میخواهد خودم روی پای خودم  
با بستم تا آینده ام را خودم انتخاب کنم ، ولی  
بها طریقه های همسازیم مقدور نیست ، آدمی که در  
کنج خانه میماند مثل ایست که در نفس است .  
دلم میخواهد خودم با حید زندگی خودم با شمع  
- اینک منمیری بگویند حق کار کردن را نداری .

س - راجع به مسائل سیاسی چه فکر میکنید ؟ آیا در  
انتخابات شرکت کرده اید ؟  
ج - در انتخابات جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان  
شرکت کردم ولی در قانون اساسی و ریشو جمهوری  
نته ، در مجلس خبرگان میخواستم کسکی را  
انتخاب کنم که بیشتن اعتماد دارم تا قانون  
مملکنان را منو بسند ولی در ریشو جمهوری  
حقینش هیچکدام را آنقدر نمی شناختم کسه  
بیشتن اعتماد کنم .

و رهبران می گویند که مردم برای "اسلام" مبارزه  
کردند ، نه برای رفاه و آزادی (که از نظر آنها معنای  
دیگری دارد) ، اما زحمکنان استدلالشان بس برای  
انقلاب بسیار ساده است ، در هر جایی که انسانها شکی  
استمنا می شوند ، در هر کونهای که بوده ها تحت ستم  
قرار دارند ، یعنی در همه جا ، هر روز با عت نا هادین  
هنتمیم که مردم ستم دیده می گویند ؛ ما انقلاب کردیم که  
حاکم بر سر وقت خود ما شیم ، ما انقلاب کردیم تا دیگر  
سما زور نگویند ، ما انقلاب کردیم که دیگر کسی برینا ه و  
بی ممکن سما شیم ، ما انقلاب کردیم که آزادی مستقل  
با شیم ... از این بیرون کارگر بیهمین را میبریم .  
س - فکر می کنید مردم چرا انقلاب کردند ؟

ج - انقلاب کردیم تا آزادی داشته باشیم ، سما  
زندگیمان راحت تر می در دستر تر اند ، بی -  
خواستیم تا هراسیون کنیم تا دیگر استگهنا ر  
نتویم .

زنان در حاج معصوم با بهداری و دو کانه ای تحت  
ستم قرار دارند ، در کارخانه ، در روستا ، در اداره و  
خلایه در همه جا ز سنوان یک موجود درجه دوم تلقی  
میشود ، سرما بهداری اما شکی نواند حق براسری  
زن و مرد را حل کند ، چرا که هدف او استثمار نیروی  
کار زن - سما براس اینستمار هر چه بیشتر است -  
پرداخت مزد هر چه کمتر است - و با استغاده های منخط  
سلسمانی از وجود او شت ، و این را یک کارگورن بش  
از همه درجا معیلمن میکند ، بسکه لسان از تمام قانون  
اساسی خبرگان تا نیکه بر کبهه ترین و بسوده ترین  
بها دها و نظرات حقوق زنان را آنکارا نفس کرده است .  
س - سما آگاهی زنان را چگونه می بینید ؟

ج - زنان با بدما مردان براسرنا سند ولی در حاج معصوم  
ما اینطور نیست ، دلم میخواهد دخترها در حاج معصوم  
ما مثل پسرها با شند و انباشه آنها بگویند سو  
دختری استکار را نکن ، بسگویند مردها از زنان

## تهران با خون و حماسه فتح شد



داعوی پزشکی قانونی تهران ، سف طولانی شهیدان را در خود جای داده است ، آنها برخاک افتاده اند و خون عزیز خود را و بقیه آزادی دیگران کردند ، شهید شدند تا آزاد شویم ، نامشان و یادشان گرامی باد .

## درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن



### خاطرات رفیقی از مرکز زرهی شیواز در روز ۲۲ بهمن:

## چگونه تیمسار فلاحی تا آخرین لحظه در مقابل مردم ایستاد

کنیم همه آنها کشته میشوند، تیمسار فلاحی میگفت مقاومت کنید، الان هلیکوپتر تکمیل نمی‌شود و فرستیم و بعد هم ارضیات قطع شد.

خلاصه حدود ساعت ۳/۵ بعد از ظهر یکی از افسران وظیفه که در نما هم طول درگیری را بر سر تسلیم شدن به مردم زادت و سربازان را از شیراندازی منع میکرد که البته سربازها نماندند و درجه داران گروهان سوم نیز همین کار را می‌کردند، سرهنگ ندیس، فرمانده سون اعزامی از مرکز کربلا بود، را تشویق به محنت نمیشی کرد و به این ترتیب بنا بدستور سرهنگ ندیس، سربازان گروهان سوم را برای مردم باز کردند و سربازان مرکز کربلا هم حرکت نمودند و تیمسار را لاری و عده ربابی از افراد شیرازی نیز به آنها پیوستند در این موقع عده ای از مردم ساحتان حمله ور شدند و کسانی را که در داخل ساحتان بودند دستگیر نمودند و چند نفری نیز فرار کردند، مردم سربازان زخمی را که در داخل شیرازی بودند به بیمارستان رساندند و عده دیگری از مردم سربزه صف آمدند از افرادی که محل را ترک کرده بودند پیوستند و تا دیگانه درخواست تلک شیرهای هوایی می نمودند، به این ترتیب با تلک های هوایی مردم سربازان نوامه مرکز کربلا و در آنجا بودند و تیمسار را لاری نیرو وارد مرکز کربلا شد، و در آنجا عده ایماه فلاحی از وی استقبال کرده او را با خود بردند، ما کفنه نما بدکه ها تکهای مرکز زرهی و عده ای از افراد نیروی هوایی نیز یکمیک مردم آمده بودند که قبل از رسیدن آنها به محل شیرازی با پی درگیری بطریق فوقی خاتمه یافته بود.

(خاطرات رفیقی که از نزدیک نا هادیان جریان بوده به علم خودی)

★ ★ ★

استفردند (والله سرگت آنها در کنار مردم جای ایستاد است) افراد شیرازی و یک قسمت از سربازان هوای در روی پشت نامود را داخل شیرازی از سربازها و در وضع حسینی محوطه، جلوی شیرازی و در قسمت است با حتما شیرازی بطرف مردم شیراندازی می کردند، در ضمن یک سرهنگ شیرازی مرئوس از بیست

- سرهنگ مالک با بی سیم به تیمسار فلاحی: مردم به ما خیلی نزدیک شده اند و اگر بخوایم جلوگیری کنیم همه آنها کشته می شوند.
- تیمسار فلاحی: مقاومت کنید، الان هلیکوپتر به کمک شما می فرستیم!

تلک کوا اعلام میگردد که شیرازی سرتار همسنگی خود را به مردم اعلام میداد و حکومت مهندسی سرتارگان را به سرسنگ می شنا بدیده این وسیله مردم دعوت میکرد که از راه رگتی جلوگیری کرده و متفرق شوند ولی عده ای سرتار که خط قطع نمودند و این دوگانگی و ساقص در نما هم طول خادنه حکم فرما بود، از یک طرف تیمسار را لاری، رئیس شیرازی، میگفت: "اینجا سرتارهای ما هستند، تیمسار را بکشید" و از طرف دیگر کنتار را مدد داشت، البته همچون افراد شیرازی و هوای بر دخیلی متفرق بودند و در یک سمرکز نبودند هدایت آنها مشکل بوده و نا هادیان سرتار بود کسه هیچکس تسلط بر اوضاع نداشت حتی افراد شیرازی چند سرتاری افراد گروهان سوم مرکز کربلا به، بعثت عدم همکاری، اطلاع کنند و یکی از سربازها را نیز از بیست تا کلوله زدند، (سرباز سرتار) سرتار فلاحی با بی سیم در نما هم بود و عده ای گفت که در حالی سرتار نزدیک شده اند و اگر بخوایم جلوگیری

صبح روز بیست و دوم بهمن ماه گروهان سوم (پرویز) از گردان ۱۹۱ ساخته که ما موریت کشتی داخل یادگان مرکز کربلا بودیم، بعد از ساعت یازده ما مدد از طرف تیمسار ده سنا و دو تیمسار فلاحی که هر دو در محوطه، گروهان حاضر بودند ما موریت با فست که در دستهای مربوطه (در سرتاری و غری و حسینی در داخل یادگان) مستقر بودند و این تک از نمایان بود برای هر گروهانی که ما موریت کشتی داخل یادگان زادت، ولی این ظاهر نشده بود و سنا هم سرتار کربلا گروهان سوار سرتار و هوای مربوطه نماندند که در محصل بیست خود بروند ولی تا یکسان خود را به سنا ل بیست ما شین حبت که بعداً مشخص شد سرتار سنا آن سرتار دوم ندیس و سرهنگ دوم مالک و احتمالاً فرمانده هر دو گروهان، سرتار هادیان، بودند از در یادگان خارج شدند (سرتار هادیان بعد از مقابل بر سرتار گروهان اظهار می دارد که نمی دانستیم که ما میروند که آنها را در جریان بگذارند، لذا تا در حبت فرماندهی نبود، خلاصه خود روها در مقابل ساحتان سرتار با پی توقف کردند و افرادیما ده شدند، بعد از مدتی سرتارها در قسمت شمالی محوطه، جلوی شیرازی مستقر شدند، فرمانده گروهان و بر سرتار وظیفه ای که سرتارها گروهان بود سرتار را کلا ملا توجه کردند که بطرف مردم شیراندازی نکنند و این امر از طرف فرماندهان همراه گروهان نیز مورد تأکید سرتار گرفت، مثل از شیراز گروهان سوم در مطلع شمالی محوطه چند سرتار آن قسمت بود، از آن پس در این ساحتان حبتی آسنی سرتار که مردم نیز چند سرتار (بر خلاف مطلع حسینی) موفق بودند تا که تا یک قدمی سرتار زان پس سنا سرتار چند نفری سرتار زوی نرسد، داخل محوطه بندند و با بر سرتار به حبت و جدل برداختند، سرتارهای گروهان در بیست ناما حتما شیرازی



تیمساران جلاد شاهنشاهی و مهره های فاسد امیرالایم و ارتجاع در اسارت: ابتداءه ای از اینان در دادگاههای انقلابی به سزای اعمال خود رسیدند، اما بعد هابه "لطف" لیبرالهای خائن مشمول عفو و ترخیص در دادگاه گشتند...

## ۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!



## مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن (۲)

هیئت حاکمه و ادا مددبکنا توری و خفقان بشیوه گذشته، حیات رژیم‌ها سابق را بنحو بازی مسورد محاطه قرار میداد. رژیم حاکمه برای فرار از این بحران و نجات از جنگال قهرانقلابی توده‌ها بسه توصیه اربابان جدید در کاخ شیدو جناح به اصطلاح لیسرال هیئت حاکمه گوشیدند تا بنا بدبا برخی عقب نشینی های جزئی و ایجاد فضای به اصطلاح بازار سیاسی و اعطای آزادیهای محدود، جیره کربه وض مردمی خود را آرایش دهد و به این ترتیب زمینه را برای نجات حکومت خود و اربابان امیراللیستش

تند بحرانها تروکش نما بدور شدن راضیاتی ها و مبارزات توده‌ها متوقف گردد. جناح دوم (عبر سلط) هیئت حاکمه که عمدتاً نمایندگان سرمایه - داران بزرگ بخش خصوصی را شامل می شدند و خود خواهان قدرت گرفتن بیشتر بودند (جناح انصاری و خسروناهی) تا آنکه تیرتری نسبت به جناح ششاه داشتند و خواص متا و فاع را زودتر احساس کردند. این دارودسته شروع بدیکسری مخالفتهاش با سیاستهای جناح شاه نمودند. در همان دوره یعنی در نیمه دوم سال ۵۵، باندا نحصار کرج حاکم بر ایالات متحده آمریکا

در سیستم سرمایه داری وابسته، این مرتجع ترین وفا بدترین لشرهای جامعه هستند که حکومت میکنند، آنها هیچگونه نیایدای در میان مردم ندارند و از اینرو چاره‌های جزئی بسختی به خوشبختی با ترسین نوع دیکنا توری وزیر بریا که عین بنداشی ترسین موازیس دموکراسی بورژواشی نمی باشند. درستتر جنسیس دیکنا توری است که امیراللیستها می توانند سفارت ترونیهای ملی و تحمیل بریا مدهای خود موفق شوند. چون در غیر اینصورت، اقتصاد وسیع مردم الحسان به مهارزه و مخالفت با برنا مدهای امیراللیستی بری می خیزند که نظام تثبیت و تحکیم درونی خود را بکلی از دست می دهد. اولاً یکی از نشانههای بارز سیستم سرمایه داری وابسته با جوامع سرمایه داری آزاد در روستای سیاسی آن است. "دموکراسی" بمعنومشهور -

- مبارزات مردم خارج از محدوده که با شهادتی وصف ناپذیر بر برنامه های خائنانه وضد مردمی رژیم را در زمینه مسکن نقش برآب کرد، در تابستان ۵۶ و اوچگیری جنین دانشجوئی در یازدهم خبر از توفان عظیم انقلاب در آینه ای نزدیک میداد که قیام خونین قم و تبریز سرآغاز زبرشکوه آن بود.
- جنبش توده ها آنچنان عظیم و پرتوان بود که دیگر جانشی برای بند و بستها و بند اربابیهای بورژوا - لیبرالها یعنی برحفظ رژیم پوسیده و سلطنتی باقی نگذاشت و توفنده و پرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه، مزدور و وارد آوردن ضرباتی جدی بر پیکر امیراللیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بپین رفت.

فراهم نماید. اما هر عقب نشینی رژیمهای آنکس بحران را فرو نماند خود وسیله ای میشود برای اوج گیری ترسین و وسیعتر مبارزه. در اوایل سال ۵۶ بحران ممکن بعنوان یکی از حلقه های اساسی سلسله زنجیر بحران اقتصادی رژیم سابق بندت بسیا بقدهای دولت هویدا را تحت فشار قرار داد. این بحران در بسا مدخود مسازرات مردم خارج از محدوده را که با شهادتی وصف ناپذیر برنا مدهای خائنانه وضد مردمی دشمن را در زمینه مسکن نقش برآب کردند، به همراه داشت. شکستی مفتضمانه بر رژیم وارد آمده بود. تشتت دروسی رژیم بنفیه در صفحه ۱۱

یعنی 'جمهوری خواهان'، دلیل و رنگتکی سیاسی در عرصه جهانی و بسوی بورژوازی تاریخی اش در جنگ و بسا مونسریست اوطاع با سازمان انحصاری آمریکا از هر سومورد غیرا جزیی رگرفنده و در انتخابات آن سال با نکتت روسی و ژرمنی و جناح "موکراتها" برکسری قدرت تکیه کردند. جناح "موکراتها" بلافاصله پس از روی کار آمدن مردوران و بسا نسلاندکسان آمریکا را در کشورهای تحت سلطه و اربابان حمله رژیم شاه خاشن را، در جهت برنا مدها و سیاستهای خود فرا خواندند. بخصوص که وضع اقتصادیا رکوده ایران در آثرمان دچار بحران کشیده و با استروا و انفرادی بدسیاسی و محدودیت با یکا داجتعا عسکی

زواشی آن هرگز نمی توانند پور در امدت در جوامع سرمایه داری وابسته بیا نکتتد. اگر در نظام سرمایه داری آزاد این "دموکراسی" خود جاع ملی میشود برای رسد اولسه سرمایه داری، در نظام سرمایه داری از آنجا که این امیراللیسم است که عمدتاً رند سرمایه داری را در زمینه های مورد نظر خویش فرا هم می آورد، بسا جنسیس دموکراسی روبرو نیستیم، زیرا هر نوع آزادی و لیبراللیسم، ادا مه لطفه امیراللیسم و حیات نسیم سرمایه داری وابسته را که نشانه های آن عمدتاً تحمیلی و خارج از سازهای درونی جامعه است، تهدید می نماید. (۱۱)

تصادفی نیست که بدینال کودنای ۲۸ مرداد و حاکمیت بسجون و جرای آمریکا بر مقدرات کشور ما، دیکنا توری خون آتا مانا بعنوان دیکنا توری طبقات فئودالها و سرمایه داران وابسته به امیراللیسم بر مردم ما تحمیل کردید. رژیم شاه سابق حتی اعتراضات محدود و مسالمت جویانه، جاسجهای مخالف درون هیئت حاکمه را سرنواست تحمل کند و ایجاد حزب رسنا خیزد را سفدها ۵۳، نمودار دیکنا توری تمام عیار روسی سابقه این رژیم در سطح جهان بود. بدین ترتیب در دوران سباه سلطنت تا دکترین نای آزادیخواهی بسرعیت برکوت میشد، اما این وضعیت ناکی می توانست دوام داشته باشد؟ مثلی است معروف که میگوید: "قواره چون بسلمه شود سرکون شود". فشار اقتصاددی و اختناق جدی رسیده بود که دیگر هیچ چیز نمی توانست مانع از فرار رسدن نولسان عظیم انقلاب گردد. رشدنا رتا بنسها و بندت بحران های اقتصادی و سیاسی در سال ۵۵ باعث شد که در بسین جاسجهای هیئت حاکمه اختلاف سلسله ها بروز کند. این اختلافات بر سر این بود که به چه شیوه ای باید بسه استعمار مردم و غارت مانع طبیعی ادا مدها د کند



**خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!**

(۱۱) - البته این بدان معنا نیست که در تمام عرصه سرمایه داری وابسته مطلقاً نمی توان بدموکراسی بورژواشی بیا نکتتد، لیکن بحث بر سر اینست که این جنسیس دموکراسی در سیستم سرمایه داری وابسته نمی تواند با برجا و در امدت باشد.



# ”سیل“ بجای ”باران رحمت“!

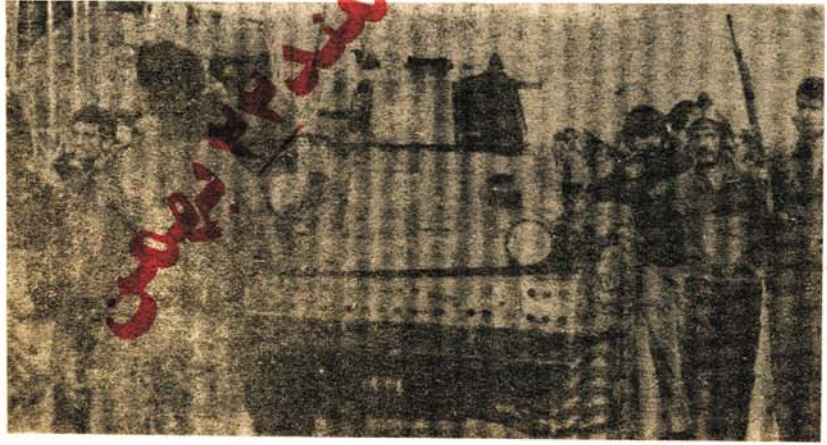
از آنجا که کشور ما سرما به داری وابسته است ، چندبرابر شدن درآمد صادراتی کشور از نفت در سال ۵۳ تا بیرقابطنی در درخبران اقتصادی داشت . در سال ۵۳ درآمد های نفتی نسبت به سال قبل تقریباً ۴ برابر (۳/۹) شد و درآمد دولت ۲۰۰ درصد افزایش داشت . بیست و هفت میلیارد ریال در زمان پهلوی تغییرات اساسی در سیاست های اقتصادی و بودجه ای - یعنی شده قبلی را دور برآورد کرد و در ۲۴۶۱ میلیارد ریال به ۲۷۰۰ میلیارد ریال رسانید . جاری شدن بول نفت در اقتصاد کشور تا شریک سازی با نفتی در گند - بدگی کل بورژوازی ایران داشت . دولت است که عمده درآمد نفت تحت بورژوازی و استعمار بخش خصوصی و بوروکراتیک ( می رفت ، معاهدات و امتیازات می دهد که بورژوازی لیبرال سرمایه داران را با توجه ای از این ثروت با آورده بود ، رشد فانی رفته رفته های غیر مولد و سود آوری چون بورس بازی زمین و ساختمان سازی ، گریه عمده ترین آنها در اختیار سرما به داران وابسته قرار داشت و منبع بر سودی برای این قشر وابسته شما می رفت ، باعث گردید که بخشی مہمی از بورژوازی متوسط ایران نیز به این رشته غیر تولیدی رو آورده و ثروت اسوهی از این راه چنگ آورد ، و امنیت هائشان میده که در عرض چند سال گذشته کمتر سرما به دار لیبرالیستی مشاهده شده که از حرکت سیستم مده دیده و ورشکست شده اند ، از این سالها نیز که نگذردیم ، اساساً بورژوازی لیبرال از لحاظ اقتصادی موجودیت و رشد خود را در گرو وجود سیستم سرما به داری وابسته می بیند و طبیعی است که کامی و حافظ سرخات این نظام بسوی سده که با جنگل خود توده های وسیع خلق را ( به طور عمده کارگران و دهقانان ) می فرود آید .

با این توصیف از موقعیت اقتصادی لیبرالیسم بورژوازی ایران ۵۳ بخوبی می توان به موقعیت سیاسی این قشر بورژوازی ایران پی بسپرد . مخالفت انسان با دیکتاتوری شاه از موضع فدا نقلابی و با نظر مزدوری مستقیم امیرالیم از جانب انسان بوده و چیزی دیگر ، گوشش لیبرالها در حفظ سلطنت شاه که حتی پس از مذاکرات به جان سپاره کارکنان ، سنجایی و خمینی منجر بعقب نشینی انسان و اعلام ”غیرقانونی“ بودن سلطنت شاه گردیده همچنان ادامه یافت : ”در - باره شاه سابق با بدیکوم که منافقانه او هیچوقت ما هینش تعبیر نکرد ... این آدم حتی در آخرین روزهای که من او را ملاقات کردم پیشنها کرد که وضع مملکت در خطر است ... گفتیم شما اعلام کرده که انقلاب ایران را برسمیت شناختید (آری لیبرالها بدیرفته بودند که شاه انقلاب ایران را برسمیت شناخته است!) ... من به او گفتم! علیحضرت با بداز ایران خارج شود و اموال سلطنتی زیر نظر شورای با شرکت روحانیت رسیدگی شود ، برای شورای سلطنتی با بداعتی به نظرات اللہ خمینی تکبیل شود ... او همه این پیشنها دات را رد کرد“ (مصاحبه مطبوعاتی سنجایی ، اطلاعات ۵۸/۳/۹) (ناگفته از ما است .) همانطور که ملاحظه می شود حتی تا آخرین

لحظه مرگ سلطنت ، بورژوازی لیبرال تمام تلاش خود را بکار برد تا آن را حفظ کند و در حکومت پهلوی به ”حکومت اسلامی“ هر چه بیدردن و آرام تر صورت گیرد . ” روزی که نما سندگان دولت بخانه ما آمده بودند به آنجا گفتم که شاه دنا سیر غلط از یکسوی مملکت و تعدی سازمان های دولتی و همچنین با اعمال کردن حقوق ملت از سوی دیگر ، مملکت را در سیرنگاه قرار داده است . بطوریکه ما ده هر کوسه اشجار است و اگر هر چه زود تر نیست به انجا مخواستهای قانونی و شرعی مردم اقدامات موشی صورت تکبیرد با بد منتظر عواقب خطرناک آن باشیم“ (مصاحبه با آیت اللہ شریعتی ، کیهان ۸ آبان ۵۷) . اما عواقب خطرناک ار جابت آیت اللہ شریعتی در این جهت بود؟ روشن است تا بودی سلطنت ، تا بودی سلطنت امیرالیم (مراجعه شود به اسناد مربوطه) و تدخیران های توده ای و موقعیت انقلابی بورژوازی ما ههای آخر سلطنت منصور پهلوی ، و حتی بورژوازی لیبرال را از اقدامات فاطمیه توده ها صد جندان بگریه لیبرالهای ریون همه جا بدست و با اقتدار توده ها که جلوی حرکت انقلابی توده ها را بگریزد ، را سنجایی آرا روزها سوا اوج زبونی را می رساند ، جنبه ملی ما مبارزه مسلحانه مخالف است و می خواهد با و با بل خاتمی رژیم را وادار به تسلیم کند . ” (مصاحبه با امیرالیم سنجایی ، کیهان ۱۰ بهمن ۵۷) . اما اگر حکومت تغییر کند ما وضعیت جدیدی خواهیم داشت ، سوراخ چه به همه مطالب می توان مذاکره کرد“ . (مصاحبه با امیرالیم سنجایی با روزنامه سوسالیمستی لومنت ، کیهان ۱۰ آبان ۵۷) مذاکرات چهار رکتور امیرالیمستی از روشنی و آمریکا شای در کوا دولوب که منجر به قبول طرح خرج سال ”وگنا رکدا نشن شاه گردید شرایط را برای انجام سازش تاریخی و خناسنکارانه بین بورژوازی لیبرال و امیرالیم آمریکا فراهم آورد ، سرخورد خصما به این خاتمن به قیام مسلحانه توده ها تا توده ها

کینه توزی انسان را با قهر مسلحانه توده ها نشان میدهد و نشان میدهد که جقدر این از اقتاد ان سلحه بدست قدرتمند توده ها هراس را براند ”اگر انقلاب ایران مثل انقلابهای گذشته دنا با یک حمله نظامی و با یک کودتا صورت می گرفت ... البته برای خود ش مشکلاتی دارد ولی از یک جهت خیلی راحت است ، یک فرد با یک عده صاحب قدرت و صاحب نیروی نظامی می - آید و مابعد دشمن را از ارباب و تلو بیوزیون گرفته تا یادگان با واسطه ها و دربار همگی را می گیرد و بعد مستقر می شود و هم نظامی هم که در نظر داشته و برای آن اس عمل را کرده ، آن نظام را برقرار می - کند و چون صاحب قدرت است و ثروت و امکانات دارد مرحله ها زندگی را آنطور که دلش می خواهد آسانه انجام می رساند“ . (مصاحبه با امیرالیم سنجایی ، کیهان ۵۸/۲/۵) است مفهوم ما بر سر کوه توده ها از دیدگاه بورژوازی لیبرال ضد خلق . ” تسلیم با دگان سیاسی نظامی در روزهای بیرونی انقلاب و بخش شدن سلحه در بین مردم ... تا شد کنند این نظر بوده که امیر - با لیم در صدد است که انقلاب را با صدا نقلاب سرکوب کند“ . (نقل از اعلامیه جنبه ملی ایران - تشکیلات خورسان ، کیهان ۱۷ خرداد ۵۸) . بدین ترتیب از نظر جنبه ملی بخش سلحه در میان مردم سقوط یاد - کاشیا توطئه ای بوده که توسط امیرالیم انجام گردید ، دیگر واضح تر از این نمی توان مسازره تهرما با توده ها را خطنه کرد .

گذشت یکسال از قیام بر سر کوه بیمن ما تدخیرات مشخصی را برای خلقهای تهرما ان ایران به همراه داشت . در این مدت بورژوازی لیبرال ضد خلقی با همدستی خرده بورژوازی مرفه سنی ارستی را که بهمت مبارزات توده ها در هم تگسند شده بود ، دوباره تجدید سازمان کرده و آنرا علیه انقلاب ایران بکار انداخت ، دستکاهای عریض و طولیل دولتی را که بکلی از بین رفتند بود ، محدوداً کار انداختند ، روابط خود را با امیرالیم آمریکا استحکام بخشیدند و با انجا مدها و صدها عمل ضد خلقی دیگر ، سرک تازه ای از کندیکی بورژوازی در عرض امیرالیم نشان دادند .



● جوانان مسلح زره پوشی را صادره کرده اند : برای چنین روزی خلق ما چه خونپاک نداده است!

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



شهادت صبحه ۲ - درسیهای قیام ...

حکومت پهلوی و قطع نفوذ امپریالیسم گرفته بودند آنان برای بدست آوردن آزادی واقعی و استقلال کامل مملکت بلند شده بودند و بنا بر این علیرغم دادن شهدای بسیار نمیتوانستند از انقلاب دست بکشند. حال آنکه برعکس خون شهدا درخت تنگاور انقلاب را آبیاری می نمود.

پیشروی انقلاب امپریالیستها را وای دارنما بخشیا رخا شن را بر سر کار آورده و نا حجابی را از ایران خارج سازد تا دیگر کمینش ناکت شود ولی مردم قریب زدند: "بغداد شهادت نوبت آمریکا است" انقلاب به صفوف با شین ارتش (هما قران، سرپازان، افسران و...) از رخنه کرده و در آن تکلیف ایجا دینکند. صورتی که از یک طرف اختلافات و تناقضات بخشهای مختلف ارتش را تشدید کرده و تکراری امپریالیستها را دامن می زند و از طرف دیگر ترس و وحشت نسبت به ارتش و تمایل نسبت به انقلاب را در میان رده های با شین افزایش میدهد.

توده ها در شرایط عقب ماندگی سازماندهی انقلابی و کمونیستی در تدارک، تسخیر، سازماندهی و تسلیح مردم برای قیام، عمدتاً شکل خودسختی بدرستی از یکسویه تشکیل کمیته های انحصار و شوراهای کارخانه محلات، ادارات دست زده و بدین ترتیب طبقه های قدرت توده ای و انقلابی خود را بوجود می آورند و از سوی دیگر با نزدیکی قیام در حد توان خود با کار انداختن تمام خلافت خویش به ساختن و استعمال بمبهای آنتزاد در درگیریهای خود با پلیس و درگام بعدی به مسلح شدن و ساختن سازمانها و دستگیرتدیهای خیابان می بردارند. آنان در روزهای آرزو و انقلاب سرعت خود را ارتقا میدادند. آنان بلاوقفه تجربه می اندوختند و اندوخته ها را از رخنه به بخش دیگر انتقال میدادند و سرانجام از روحیه انقلابی و فداکاری آماده جان نثاری در راه آزادی بودند.

توده های خلقی ناشوری انقلابی قریباً دسزدند: "زهی مان ما را مسلح کنید"

سرانجام از تحقیر مردم سرود قیام می خواندند، ولیسی رهبری تا یکسرخ کرده بورژوازی تا آخرین لحظه قیام از دستور قیام مسلحانه احتیاط نمود. خرده بورژوازی عدم قاطعیت خود را تحت این عنوان که "هنوز مرفع جها د نرسیده است" می یوانند و از جان نثاری نگه انقلابیون از زمین بیرون را و توده ها عقب مانده بودند.

بالاخره آتش قیام در ۲۱ و ۲۲ بهمن سرعت و حدت پذیرا لاکرقت. توده ها تهرمانا نه به مراکز ارتجاع حمله کرده با راهای اسلحه ارتش و پلیس را تخلیه کرده و ضربات سنگینی بر موانع دشمن وارد نمودند. آنان درسی آن بودند تا مرنه قطعی و نهائی را بر دشمن وارد سازند ولی علیرغم تمام جان نثاری ها و رشادتها علیرغم هزاران هزار شهید با اینکه قیام خوشن توده ها به بیرونیهای بی رنگی نظیر واکوئی سلطنت و ضربت دیدن امپریالیسم دستبست با نیت ولی منجر به پیروزی قطعی زحمتکشان نگردد. چرا قیام توده ها به پیروزی قطعی نرسید؟! سن سؤال اساسی ای میسازد که ما به مورد تحلیل قرار

کبرد. بررسی درسیهای قیام بهمن جواب این پرسش را برای ما روشن میکند ولی این درسیها کدامند؟

انقلاب مائین دولتی با دستکاه حکومتی را خرد و نابود نکرد. اگر با دمان با اندوختیکه مردم مسلح به یادگانهای ارتش حمله کردند و قیام در گرفت، بلافاصله سران ارتش اعلام وفاداری نسبت به "انقلاب اسلامی" کردند. ولی این کار یک فریب جدید بود. این کار تاکنک امپریالیستها و سران سرسپرده ارتش آمریکا شای بود. زیرا با توجه به ناقصات و بحران درونی ارتش و جنبه تاریکی آن و نیز آتش خشم توده های عمیان زده، اگر جنگ ادا میداد می - کرد و در آن در سران ایران کسرتی می با نیت این جنگ خوین و مقدس در برابر زود امپریالیستها

با نزدیکی شدن قیام توده ها تمام خلافت خود را بیکار گرفتند و با استفاده از زمینه های آتش زاعلیه پلیس، با سنگینندی در خیابانها، خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند.

بوکران سومین راه به یکباره نا بود میساخت. اما به حکم منجر به برآمدن رهبری قاطع و انقلابی گردیده و منجر به منلانی شدن کامل ارتش میشد. آنها عقب نشینی کردند تا ارتش را از زیر ضربات سنگین خلق مسلح رها کرده و با یکا خود را حفظ کنند. انقلاب در قیام دستکاهای سرکوب مانند ارتش پلیس، زاهدان، مری، ساواک و... که در خدمت سوما به داران و امپریالیستها بودند چه با بدسکرد؟ انقلاب میساخت تمام این دستکاهای حور و ستم را خرد و نابود ساخت و از پس خلقی خود را جان نثین توانی ضد انقلاب مساخت. ما شین دولتی که یک عمر در خدمت

استثمارگران و استثمارگران بوده، بنا که ان در عرش جنرورنمیتوانست طرفدار انقلاب و مردم گردد. این دستکاهها ما همتا ارتجاعی بوده و نمیتوانستند درست شوند. بنحوی که پس از قیام تا به امروز تا همد آن هستیم که چگونه همان ارتش تا همتا می تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی بیوسه سرکوب خلق ترکمن، خلق دلاور کرد و... مشغول است و مطمئن با شیم همین ارتش و با بر فوای سرکوب جمهوری اسلامی فداکاه موجهای سنگین انقلاب بلند شد ما هم کشتار وسیع خواهد نمود. بنا بر این انقلاب میساخت ما شین دولتی را خرد میگرد و اجازه میداد تا این اسوار سرکوب بسنوان تکسکاه ارتجاع، باقی مانده جوهر اصلی انقلاب اینست که همین ما شین دولتی سرکوبگر را قاطعاً به درهم شکند و ارتش و موسساتی را بوجود آورد که واقعاً در خدمت خلق باشد.

قیام به پیروزی نیای نرسید زیرا قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. قیام فاقد سنا دفرماندهی طبقه کارگر با نبود. حزب طبقه کارگر این قدرت را داشت تا با حفظ استقلال سیاسی - تنکلاتسی بیرونلاریا، با همدایت در آوردن تمام خلق بیکل قاطع مبارزه را تا نا سودی کامل دشمن به پیش برد. چرا که حزب مستحکم طبقه کارگر، حزب طبقه ای است که بدینکسرتین مبارز راه استقلال و آزادی است.

دروغ هر کدام از افسار و طبقات تا آنجا که ممانع طبقاتی مان اجازه میداد در حین ترکست میکردند. دندیم که سرما به داران لیسرال که اهل ساز با عدا انقلاب بودند در همان حین قیام در پشت پرده در حال کفتن کجوت سازش با قیام ندهان ارتش و آمریکا بودند افرادی ما نند میسند با زرگان که از



افراد هوایی. در لحظاتی که درگیری اوج گرفت، علاوه بر آنکه خود با «گاردیها» درگیر شدند، با شکستن اسلحه خانه، تعدادی اسلحه نیز در اختیار مردم گذاشتند عکس گروهی از مردم را نشان میدهد.

قیام بطور عمدتاً با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیسوالهی سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیدن بردند حاصل آنرا



انقلاب بیشتر میترسد تا از ارتجاع، برای اینکه جلوی انقلاب را بگیرد و خود را شریک در قدرت نماید در همان زمان قیام به بازش و خیانتهای نسبت به انقلاب دست زده بود.

دیدیم که رهبری خرده بورژوازی با تزلزل طبقاتی خود فزاینده تغییرات را خورد و خود در زمانیکه مردم سلطه طلب میکردند با دشمن راقا طمانه درهم کوبید میگفت: "وقت جهاد رسیده است" و میترسید اگر جنبش با رهم بالا بگیرد، دیگر نتواند آنرا زیر نفوذ خود قرار دهد.

دیدیم که طبقه کارگر در تمام مراحل جنبش با پیگیری تمام در جنبش شرکت کرده و پیوسته در راه انقلاب ایران داد و دلی آنجا که به کارگران و طبقاتی خود صلح نمود آنجا که متشکل نبود و جنبش طبقاتی خود را نداشت، نتوانست رهبری جنبش را درست بگیرد و نسبت دمکراتیک - فدا میرا لیستی خلق را به پیروی کامل برساند. فقط طبقه کارگر بود که میتوانست انقلاب را رهبری کند، فقط طبقه کارگر بود که میتواند با وحدت و اعتماد بدون هیچ تزلزل و هیچ سازشکاری با واحد بخشنده دهدهقان و سایر اقلیت تحت ستم انقلاب را تا به آخر بچلوراند، ولی عدم وجود حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست به طبقه کارگر امکان آنرا نداشت تا جنبش را زیر رهبری خود در آورده و بنا بر این انقلاب در نیمه راه متوقف گردید. کارگران و سایر رزمندگان برای کسب ثمرات سیاسی یعنی بدست گرفتن حکومت به انقلاب دست زدند، ولی فداان رهبری بیکسری جنبش منجر بدان شد تا قدرت سیاسی درست دیگران قرار گیرد. در حال حاضر ترکیب هیئت حاکمه عبارت از عناصر سرمایه داران داری و افسه و افسان آمریکایی، سرمایه داران لیبرال و خرده بورژوازی مره میسند. انسان که قدرت را بدست گرفتند بنا بر مذهب طبقاتی خود نمی توانستند آزادی و استقلال ایران را ناسن کنند و به خواسته های رزمندگان و حقوق خلقهای ایران - باج انقلابی کوبید. هیئت حاکمه کمونیستی - جمهوری اسلامی را می گردانند پس از کمال، نه همه هزاران قرارداد سیاسی، نظامی، اقتصادی - امیرالیستی را لغو نمودند، نه اساسی کلیه جا سوسان و سایر اکتیوها را منتزاع و آنان را محارفات نمودند، نه به کارگران بیکار کار دادند، نه به دهقان زمین دادند، نه بحران و گرانای سرمایه آور را توانست از بسین ببرد، نه ۴۰ ساعت کار در هفته را برای کارگران ناسن کرد، نه آزادیهای دمکراتیک را آنچنان فراهم نمود و نه جماعتی و سرکوب را از بسای بروددها، نیروهای انقلابی و کمونیستی و خلقها به کسارت کسارت هیئت حاکمه فاسون اساسی ارتجاعی خود را با دوز و کلک تصویب نمود، قانوسیکه در آن نه از حقوق خلقها سخن میگوید، نه از حقوق کارگران حرف میزند، نه از معادله انقلابی زمین سخن میگوید و نه از ملیتس کردن منابع و معادله تمامی سرمایه های وابسته و امیرالیستی.

امروز کارگران بس از کمال سعادتمند و وقتی در خیابانها به اعتراض نظر هراتی بر میا میکنند باز هم میگویند: "گنا برای کارگر، زمین برای سرورگر"

وفتی گدآنان از زندگی سخت و طاقت فرسا بحران آمده اند و خشم خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان می دهند میگویند: "زن و بچه گرسنه صبرش نمیشه دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه" و باز کارگران در کنار سایر نیروهای ستمکش جا معه ما فریاد میزنند و خواهند زد: "ارتجاع، ارتجاع هنوز به روی کاره، انقلاب انقلاب هنوز ادا نموده".

### وظیفه طبقه کارگر در شرایط کنونی چیست؟

در شرایطی که جنبش دمکراتیک - فدا میرا لیستی خلق به دوام خود ادامه میدهد، و سرودناتنا ابعاد گسترده تری بگیرد و در حالیکه تمامی باندهای مرتجع نظیر سنیاران شاهنشاهی، بورژوا لیبرالیهای خائن خوائسین محلی و روحانیون مرتجع و وابسته و... تلاش میکنند خود را برای سرکوب خلق سازمان دهند و در شرایطی که بدستمال نکست احزاب و روشکسته لیبرال "نظیر جبهه ملی"، "جبهت آزادی ایران" و جمهوری خلق مسلمان" بدنی این تیمسار حیلاد شاهنشاهی میگردانند تا به کمک لیبرالیهای رسوای دیگر نظیر سایر بزرگان و صاعیان حزب جدیدی را به اعضا راجدود ۲۱ ملیون رای ای که در انتخابات آورده است ایجاد نماید، در جنبش شرایطی که این باندهای مرتجع تلاش میکنند که به وسایل

بفیه از صفحه ۹ ارسا... داشته است. ادراکی نگاشتی و دراز منطقی عینی و پیچیده ارتباط هنریا عینیت، کنگی بمانخواهند کرد. مسئله این است که اکنون بنحو حیرت آوری راه برای فعال شدن خلاقیت های هنر انقلابی، گشوده است. حقیقت این است که زندگی در حال غلیان است، طبقات گوناگون، برهنه در صحنه حاضرند، وحدت تضاد هاود و ران دگرگونی و حرکات سرسام آور همه و همه، گوناگونی و ترکیب نابی نهایت نوی از حوادث و مناسبات قابل تأمل فراهم آورده است و بسی - تردید این زمینه مناسبی برای آفرینش خلاقانه -

کوناگون جنبش بوده ها را سرکوب نماید و دستاورد - های قیام را با زین بگیرند، طبقه کارگر وظایف سنگینی بعهده دارد. در جنبش شرایطی طبقه کارگر با بنی به مبارزات صنفی و سیاسی - انقلابی خود عمق بخشد و خود را هر چه بیشتر متشکل و متشکل سازد، و همچنین صف نیروهای انقلابی را در مقابل بیرو - های ضد انقلاب فشرده نماید. طبقه کارگر میدانکده انقلاب به پایان نرسیده زیرا تحقق انقلاب ایسین مرحله یعنی درهم شکستن سرمایه داری وابسته، سلطه و نفوذ امیرالیسم و دولت حامی آن، یعنی استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، قدرتی که بر اساس اتحاد همه رزمندگان و توده های تحت ستم ما بوجود آمده و با مدارا واقعی استنلال و آزادی کامل میهن ما میباشد.

بنا بر این وظایف سیاسی خطیری در مقابل کمونیستها و طبقه کارگر قرار گرفته است. برای پیروزی قطعی باید آمادگی همه جانبه ای به پیش رفت، پیروزی واقعی جنبش در کمونیسم آمادگی است.

گرامی باد ادنامی شهیدی که همه قیام ۲۲ بهمن را آفریدند

درود سر همه شهیدای راه استقلال و آزادی میسین مرک بر امیرالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش

۵۸/۱۱/۱۹  
اعلامیه شماره ۵۸

ترین آثار هنری است. بشرط آنکه نمایندگان هنر انقلابی با سرعتی در خور به نغی همه عوامل رگسود گذشته بپردازند. هر چه حقیقی تر زندگی بیا - میزند ثابتوانند صادقانه ترین احساسی را که از درک ملموس و مشخص زوایای آن در وجودشان شعله می کشد، زند و پرخون تصویر کنند. هنر انقلابی جسارت می طلبد، جسارت پشت سر نهادن اتاقتهای درست، جسارت تن دادن به گردباد زندگی و سپهره جستن از این چشمه سازلالی که در اوج جوشش خویش است. آری تاثیرات قیام را بر هنر اینگونه باید دید و چشمه دید روستنی را که در پیش گسترده است باید هر چه آگاهانه تر بیمود



زنده باد طبقه کارگر ایران : کارگران صنعت نفت، در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصابات که رژیم شاه را فلج کرد.

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست



# هنرمقاومت هنرپرولتری



## از چارچانب می آید

آیا نمی شنوید  
صدای گامهای انقلاب را  
هنوز می آید  
هنوز می آید  
از میادین پایان نیافته نبرد  
با هزار زخم برپیکر  
با هزار نعره در گلو ؟  
آیا نمی شنوید ؟  
از کارخانه های ملتهد می آید !  
از کشتزارهای سوخته !  
از محله های رنج می آید !  
از خانه های گرسنه !  
از تنگه های خونین کردستان  
از سواحل توفنده انزلی  
از زورآباد کرج می آید !  
از آبشوران کرمانشاه  
از چرنداب تبریز  
از کرانه های خونین خلیج می آید  
ولهجه شگفت و خشمگینش  
موج می زند  
موج می زند  
موج می زند  
آری  
هنوز می آید  
هنوز موج می زند  
و در سترخیا با نهای خروشان برآه میافتد  
هنوز می آید  
هنوز موج می زند  
و در بهنه های مشترک رنج متحد می شود  
هنوز می آید  
هنوز موج می زند  
و در چارچانب سرزمین محروم می توند  
آیا نمی شنوید ؟  
صدای گامهای انقلاب  
هنوز می آید.  
(تابستان ۵۸)

## آفتاب سرخ

نوشتم به شادمانی اندم شراب سرخ  
کز شوق انقلاب دم آفتاب سرخ  
نازم بدان زمان کمه نیروی پیک و دایس  
ملت نهد به گردن ظالم طناب سرخ  
قربان آن دمی که زخون توانگساران  
دریای انقلاب شود پر حساب سرخ  
خان را شراب سرخ بجام و زقرط جوع  
ریزد ز دیده د دختره هقانی آب سرخ  
در خون خائنان وطن غسل واجب است  
در شرع انقلاب به نص کتاب سرخ  
(ابوالقاسم لاهوتی)

### یادداشت

## از قیام و از هنر

ما هماموج زدن و بهیم آوردن ، ماهها میل شگرف  
پیوستن ورستن ، ماهها زندگی را بگونه ای سخت  
تازه تجربه کردن ، ماهها و ما هممازمیدن و آخر در  
قیامی باشکوه نیروی عظیم حماسه های یاد نسا آورد  
خویش را سردادن ، آری اینهمه نمی تواند تاثیر  
خویش را بر همه شتون زندگی برجای نگذارد ؛ بر  
همه شتون ، و از جمله بر زندگی معنوی طبقات !  
جنین تاثیر عمیق بر عواطف و روحیات توده ها  
باقی نهاد ه است .  
باقی نهاد ه است . جنین چه بسیار احساسات  
تازه و تجربه نشده و عواطف غنی تراز در وران سیرا را م  
جامعه را بر عرصه ظهور رسانده است و در این میان ،  
هنر که عمدتاً بر کیفیات زندگی تاکید میورد ، نمی  
تواند در اساسی ترین عنصر حیاتی خود ، تغییر  
نپذیرد . هنرمقاومت ، هنرپرولتری نمی تواند  
محشون از احساسات نو پرشور نگردد .  
اگر هنرمقاومت ، هنرپرولتری ، تاد بیروز در زیر  
لگد کوب حاکمیت بی تزلزل ضد خلق امکان خردش  
خوردن با سرچشمه جوشان خلایقیت - زندگی را  
از دست داده بود ، اگر تاد بیروز در چارمجد و بیست  
شناخت عواطف و روحیات توده ها بود و یا آنکه در  
صحنه زندگی قادر به تشخیص آن پنهان ترین  
احساسات شگفت انبوه عظیم رنجبران ، محرومان و  
زحمتکشان نبود و همچنین ، اگر تاد بیروز ، زندگی  
هیچگاه تابد بین مقیاس ، اجازه نمی یافت تصاویر ،  
صداهای و نقش های بدیع و شورانگیز بیافریند ، و هنر  
اجازه نمی یافت این ژرفترین روحیات انسا نها را  
خلا فانه کشف نماید و بازگوید ، امروز ما اینهمه  
تغییر یافته است .  
اکنون اگر هنرد رسیم خاردار روحیات پیست و  
ابتدال انفراد منشانه خرد و بورژوازی خود را  
زندانی نکند ، بنحو حیرت آوری امکان آفرینشش  
زیباترین و ارجمندترین آفریده های انسانی - هنر  
توده ای - را خواهد یافت ، هنری که بتواند هرچه  
عمیق تر جلوه های گوناگون زندگی را ، راستیسن و  
شغاف منعکس سازد و بدین طریق در پیشبرد امر  
تغییر جامعه ، در بدست آوردن یک شناخت  
درونی از خلق ، شرکت نماید .  
مسئله آن نیست که طی قیام ، هنرتاچه اندازه  
تحول پذیرفته و متقابلاً چه تاثیر بر حرکات توده ها  
تجربه در صفحه ۸

## قیام

ضامن سازش کشیده شد  
وانگشتهای خشم  
ماشه منتظر قیام را فشرد  
آه بنگریدشان  
بنگریدشان  
با هلهله های آشتی ناپذیرشان  
در گردبادها  
با صفوف خونین شان  
آمیخته به زیباترین فریادها  
بنگریدشان  
این خلق صلح منست  
این خلق صلح منست  
که مهاجم و بی طاقت  
غریو قهر خویش را  
شلیک میکند  
این خلق منست  
که میجوشد از زرفنای روزهای مشقت  
میجوشد از محله های بیباخته زحمت  
میجوشد از لایه های پنهان "گودها"  
میجوشد از بلای زنجیر کارخانه ها  
میجوشد از عمق تشنه کشتزارها  
و می جوشد  
می جوشد  
پیش می آید  
در امتداد لحظه های قیام  
تا غرق کند  
در تلاطم خون خوش  
یادگان نهی عاجز دشمن را  
آری در انتظار پایان این سرود  
برگد رگه موجهای ملتهد می ایستیم  
فانوس فریاد های روشن خود را  
در سواحل تیره می افروزیم  
و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم  
در انتظار پایان این سرود هر دم  
در انتظار پایان این سرود هر دم  
مانتکار می کنیم  
لحظه های نبرد را  
(اسفند ۵۷)

پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه  
امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...



# حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

سختوی که پس از قیام خونین مردم دلیریز در بهمن ماه ۵۶ "کمیته مرکزی" اعلامیه‌ای انتشار می‌دهد و در آن می‌گوید:

"در جریان این حوادث (منظور قیام خونین و قهرآمیز تریز است)، رژیم پنا به شیوه همگنی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوباشان ساواک در تفرلاست که این برسریت آدمکشانه خود را توجیه کند و

و برای تحقق آن در پی برپا ساختن "جبهه ضد دیکتاتور" توری "با شرکت بخش دوراندیش هیئت حاکمه" و بسته به امیرالیم می‌باشد. طرح شعار روبرویو - نیستی جدیدینا تغییر ما هیت " کمیته مرکزی "

"کمیته مرکزی حزب توده" روبریونیت همیشه علیه جنس خلق بوده است، این حکم یک اتهام نیست، بلکه یک جبهه جمع بندی از سیاست و عملکرد این دارو - دسته مریخ و وابسته است. عامل تعیین کننده در سیاست "حزب توده" منافع و سیاستهای امیرالیم روسیه شوروی است و در این ارتباط در تریز روبریو - نیستها، برخورد با لشکرا نه به قدرت سیاسی حاکمه منظور کسب امتیاز است، تکمیل کننده سیاست خیانت آمیز و ضد انقلابی آنان نسبت به جنس خلق و نیروهای آگاه آن بوده است و می‌باشد.

● سال ۱۳۵۰ - احسان طبری روبریونیت: هدف مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مانتاکون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند"!

● سال ۱۳۵۳ - حزب توده: آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه...!

کسانی که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به نظر هرات زده بودند مورد آزار و اذیت و اهانت قرار دهند. ...  
بله، روبریونیتها که مخالف قهر انقلابی توده ها هستند، اقدامات انقلابی آنان از قبیل به آتش کشیدن بیش از ۲۳ بانک امیرالیمستی را "خرابکاری... چاقو کشان و اوباشان ساواک" قلمداد می‌شمارند.

خدا انقلاب برای جلوگیری از طغیان انقلابی توده ها مذبحا نه به سیاست سرکوب متمرکز و وحشیانه روی می‌آورد سختوی که در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هزاران تن از توده های متحدیده را قتل عام می‌کند و با نظا هرات قهرآمیز و ضد امیرالیمستی دانشجوئی در ۱۳ و ۱۴ آبان ۵۷ را بخون می‌کشد. در این هنگام روبریونیتها که از مبارزات قهرآمیز و قیام مردم که کلیه قوانین ضد انقلاب و از جمله قانون اساسی ارتجاعی شاه را آشکارا و کاملاً نقض کرده و سرنگونی رژیم وابسته را در دستور کار قرار داده، هراسانند. روبریونیتها با تمام قوا از یک سو به محکوم کردن جنس قهری مردم برداخته و از سوی دیگر می‌کوشند تا در سر "عقل" پنا ورنند و او را به اجرای قوانین ارتجاعی و تعدیل استبداد و اختناق وادار نمایند. صورتی که "کمیته مرکزی" نظا هرات انقلابی آبان ۵۶ را به بیلیس نیست داده و می‌گوید:

"ما سابقه صبح روز بعد تعدادی اردا اشویان احمالا بنا به تحریک بیلیس دا نگاه چند شبهه را بکنه و به کار بردا نگاه برای تنها جم بهانه لارم را بدست دادند".  
(نشریه خبری کمیته مرکزی، ۳۰ آبان ۱۳۵۶).  
سپس روبریونیتها توده ای زمانی که فقط کمتر از ۲ ماهه قیام بهمن ماه ۵۷ باقی مانده است در نشریه خود می‌نویسند:

"در این کشور قوانینی حاکم قانون اساسی و منقسم آن و یک سلسله قوانین دیگر وجود دارد که اگر با مراعات روح واقعی آنها اجرا می‌شود، اگر کوچکترین احترام و رعایتی برای آنها وجود داشت واداشته می‌شد، سازمان خودسرو قانون شکن و جاسرانه و مدیتری ساواک حتی لحظه ای تیرسی توان تحمل کرده "

نیست. منظور او از "سرنگونی دیکتاتور" نه برانداختن انقلاب قهرآمیز توده ها، درهم شکستن ماشین دولتی بوروکراتیک - نظامی، نابودی سرما به داری وابسته و سرنگونی بورژوازی کمپرادور و سلطه امیرالیم، بلکه به "عقب راندن" استبداد ساواکی "شاه است که ما نمی‌دربرایر نفوذ بیشتر شوروی در ایران و شرکت "کمیته مرکزی" در برارلمان و دولت با همتا می‌باشد.

علاوه بر این تهرمانا به مردم دلیریز ایران برای سرنگونی رژیم وابسته شاه گسترده میشود و انقلاب در روند خود به شکل قیام منطقی ارتقا می‌یابد. سلسله مبارزات توده ها قهر انقلاب را به زبونی و استعمال کامل کتابچه و تماها و بنا قفات آنرا رشمی دهد. "کمیته مرکزی" "بمباری هیئت حاکمه می‌شاید و جنس قهرآمیز مردم را تحطه می‌کند



سه نسل در قیام شرکت کردند: نسل دیروز، نسل امروز و کودکان، یعنی نسل فردا...

برای ارزیابی از حرکت "کمیته مرکزی" در قیام قیام بهمن ماه توده ها، به گذشته چندان دور آن نگاه می‌کنیم.  
در زمان رژیم وابسته تا هاشم، روبریونیتها "کمیته مرکزی" را سازمانی با اهمیت سازگار نیسند، می‌کوشیدند تا از طریق وجهه الما لحد قرارداد این جنس مردم و لجن پراکنی علیه آن به رژیم سلطنتی شاه مزدور نزدیک گردند. روبریونیتها سا لیمان دراز در خارج از کشور با سودگی خاطر، بدو را مبارزه حاد طبقاتی توده مردم ترهای سازش طبقاتی را صادر می‌کردند، آنان که از اندیشیدن به انقلاب، در هراس بودند، در برابر رژیم سرسرمه جا کم‌گوش کرده و دست تکی سویی اود را ز کرده تا اینکه نتوانند در قدرت سیاسی موجود سهم بگیرند و به همین خاطر آنان در شرایطی که مبارزه مردم در حال اوج گیری بود و انقلابیون - اگرچه جدا از توده ها - ولی دلیرانه و قهرمانانه جان می‌باختند، حواسار "استفسار آزادیهای دیموکراتیک" در جها رجب رژیم موجود می‌شوند و از زبان احسان طبری روبریونیت اسلام می‌کنند: هدف عمده مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مانتاکون پنج شاه به اجرا" و حفظ آن سوگند یاد کرده اند". (دنیسا، شماره ۲، ۱۳۵۰).  
و در تکمیل این سیاست خائنا نروبر - یونیتها می‌گوید:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق، بوجدی تواندهنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استغراق جمهوری که خود را خواستهای مردم و حزب ما است". (دنیسا، مهر ۱۳۵۳)، (ناکیدار ما است).

بدین ترتیب در این مقطع روبریونیتها خواستار اجرای "قانون اساسی شاهنشاهی" و "سلطنت مشروطه" می‌باشند و بنا بر زیر علیه جنس خلق ما سنگر گرفته اند. ولی با تشدید رقابت دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و انعکاس آن در سطح ایران، سیاست پیشین "کمیته مرکزی" به شکست می‌انجامد. "کمیته مرکزی" که می‌خواست "دیکتاتور شاه" را بتدریج به "دموکراسی شاه" تبدیل کند، این بار به ناگهان به طرح شعار "سرنگونی دیکتاتور شاه" می‌پردازد

ماسک آزادیخواهی و صد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان بشوید



"اگر مر فوائین موجود مراعات گردد، دست خودسری و استبدادنا حدودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی و بی پرواگی عیبی (البته با بعال چکمه پوتان شاه و جاکراش می شود" (دنبیا، شماره ۹، آذر ۱۳۵۷)، (تا کیدازماست).

روشن است که در حوالی قیام خونین توده ها و در متن موقعیت انقلابی جامعه، " کمیته مرکزی " خواهان اجرای قانون شاهنامه ای و محدود نمودن استبداد است و برای این عصبه می با شد که در چهره چوب رژیم حاکم باید " انتخابات عمومی انجام گیرد تا مبارزات قهرآمیز و انقلابی توده ها به جفا کشیده نشود. ایرج اسکندری رویزیونیت می نویسد:

"تا زمانیکه جبهه واحد ضد دیکتاتور برپا نشود، بر ما منتظرک تشکیل نشده است. مبارزات رژیم با چاردرجیات متفاوت سیر خواهد نمود برخی از جریانهای سیاسی مبارزه علیه رژیم را صرفاً تحت شعار سرنگونی بطور مستقیم، برای نیل به هدف کافی می دانند و لذا اصولاً استفاده از شیوه دیگری را غیر از اعمال قهر مستقیم و یورش بلاواسطه به سنگرهای قدرت رژیم، محاز نمی شمارند. در حالیکه جریان دیگر معتقد به اتخاذ روشی است که برپا به مبارزات مشخص و تحت شعارهای دموکراتیک و فدا میریالیستی نتواند با مترزلزل ساختن ارکان اساسی رژیم نیرو و احتیاجات و تصرف مواضع مهمی که رژیم برای اعمال سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود در اختیار دارد، نیل به هدف مشترک را آسان و ممکن الحمول سازد. برنامه های نیرکه در مورد رژیم آینده از جانب سازمانها و جریانهای سیاسی و اجتماعی انتشار یافته بسیار متفاوت است. برخی راه نجات کشور را در تشکیل بسک حکومت اسلامی میدانند. جریان دیگر در عین اینکه اجراء موازین شریعت را لازم میدانند، معتقد به حکومتی است که طبق قانون اساسی تشکیل و با تعمیرات دیگر بر اساس سلطنت مشروطه اداره شود. جریان سیاسی سوم تعیین شکل حکومت آینده را موکول به انتخابات عام عمومی و آراء مردم و قانون اساسی جدید نموده است و سرانجام در طرح برنامه های حزب توده ایران من اعلامه ۱۳ شهریور که انتشار داده تشکیل یک حکومت ائتلاف ملی برپا به جمهوری برای اجراء وظایف عمده دموکراتیک، ضد امپریالیستی و رفاهی پیشنهاد شده است." (دنبیا، شماره ۸، آبان ۱۳۵۷)، (تا کیدازماست)

بقیه از صفحه ۵  
مروری بر ...

با تعویض هویدا و روی کار آمدن آموزگار نه تنها کمتر شد، بلکه ایضا دستخیزه تری پیدا کرد. فشار مردم از پائین مرتبا افزایش می یافت و جنبش توده ای اوج بیشتری می گرفت و این حرکت توده ای خود زمینه را برای عقب نشینی بیشتر رژیم فراهم می ساخت. اوچگیری جنبش دانشجویی در پائین ۵۶ خبار و توفان عظیم انقلاب در آینه های نزدیک میداد و تیا و تم و تیریز آغازی خونین و پر شوکه بر آن بود. جنبش توده ای از همان ابتدا قاطعیت بسی - نظیری را در سرنگونی سلطنت درنا بودی سلطه امیر - بالیسما ز خود نشان میداد. تجربات تلخ انقلاب مشروطیت و انقلابها و قیامهای پس از آن به مردم اینرا نشان داده و قهقهانیده بود که ادامه رژیم سلطنتی دست نشانده امپریالیسم هیچ چیز جز فقر و بدبختی و تکلیت بهمراه نداد و دیگر هیچ شعاری جز سرنگونی رژیم سلطنتی و نابودی سلطه امپریالیسم نمی توانست در دستور انقلاب قرار گیرد. دیگر دوران معالکینه شده و فرمیتی جبهه ملی و نهفت آزادی سررسیده بود و ختم و کینه توده ها نسبت به شاه، رژیم سلطنتی و عوامل و ابادی امپریالیسم جدی رسیده بود که تنها سرنگونی کامل رژیم می توانست اوج - گیری انقلاب را برای جبهه ملی فرو نشانند. توده ها خواستار مبارزه و تقهه جاب قاطع با عوامل ارتجاع و ارتش نادندان مسلح امپریالیستی بودند و اینرا با شعارهای انقلابی خود در دوران بعد از فرار شاه، شعارهای چون "بعد از شاه نه پوت آمریکا ست"، "وای بروزی که مسلح شویم"، "زهران ما را مطلع کنید" ... بخوبی نشان دادند و این در حالی بود که لیسریالیهای جبهه ملی و نهفت آزادی آفتابان سنجایی و بازرگان ... به انکاه پشیمانی و حمایت و همپای مذهبی میکوشیدند با ارتجاع و امپریالیسم پندارگره بنشینند. اما جنبش توده ها آفتابان عظیم و پرتوان بود که دیگر جایش برای چانه زدن ها و بندوبستهای بورژوا لیسریالیهای ما بود و دنیا و درواجا امواج بر - تلاطم خود بی اعتنا به پنداربا فیهای لیسریالیهای ما معنی بر حفظ رژیم پوسیده سلطنتی نوننده و پرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه و وارد آوردن فریادسی جدی بر میگرا امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به پیش می رفت.

از سیاست رویزیونستی "جریان سیاسی سوم" و با تعمیرات دیگر " کمیته مرکزی حزب توده " چه نشانی بدست می آید:

ادامه دارد ...

بقیه از صفحه ۳  
یکسال پس از ...

سختی و عذاب بالاخره پادشاه داشت. چند سال بعد هم مریض شد. با همه دوا و دکتری که کردیم اثری نداد و مرد.

س - چندتا بچه دارید ؟

ج - هفت تا، چهار تا دختر و سه تا پسر.

س - همه بزرگند ؟

ج - نه، وقتی پدرشون مرد، دختر بزرگم سی و نه سالش بود و پسر کوچکم ۶ ماهه بود. الان دختر بزرگم دوساله که ازدواج کرده و یک بچه هم دارد. پسر کوچکم هنوز مدرسه نمی رود.

س - خودتان تا حال کار کرده اید ؟

ج - او اخر عمر پدرتان در یک فروشگاه کار میکردم کار سختی بود ولی از خیلی کارها راحت تر بود. اقلامی توانستم بچه ها پیرا با خودم ببرم. بمر مدتی هم اخیراً در گمش ملی کار کردم.

س - از سعادت امرگ شوهرتان زندگیتان چگونه می گذرد ؟

ج - بکی از آشنایان شوهر ما می پانند و تومان پول و پانند و تومان خوار و برابری ما می آورد البته بشرط اینکه من کار نکنم. ولی مگر ما می ۱۰۰۰ تومان ۶ نفر آدم میتوانند زندگی کنند؟

گفت ملی از جمله کارخانه های بزرگ است که به علت نوع تولید از کارگران زنان کارگر میزبان زیادی استفاده می نماید. ما حتی ان ایروانسی معروف، بخارج کریمه و امروز کارخانه در دست دولت قرار گرفته و به اصطلاح ملی شده است، اما آیا دیگر کارگران ستمنا رنی شود؟! و یا حتی شد استعمار پائین آمده است؟ آیا صرفاً اسم "ملی" کردن می تواند درد کارگران را چاره کند ؟

س - از کارتان در گمش ملی بگوئید.

ج - حدود ۶ ماهه انکار کرده و بالاخره کار فرما مرا راهم ندانستم هر روز ما حجاب بدخانه ما می - آمد و می گفت "اگه پای دیوار خشک نشینی باید بول بیدی، شما الان سه بره کرا به اتان مرا نداده اند" و هیچ کاری از دست ما بر نمی آمد. بالاخره شوهرم کار یکپایانی در یک کارخانه پیدا مدتی در آنجا کار میکرد و هر شب تا صبح آنجا بود غروب که بچه ها از مدرسه بر می گشتند و میرفت کارهای میتجند و روزها را نمی دید. بعد از مدتی دوباره بیکار شد و بالاخره آخر عمرش کنار پادوئی در یک بنگا در آنجا کرد. بعد از ۵ سال اخراج کرد. کار من در قسمت آموزش بود. اوائل هر شب که بخانه می گفتم، تنوک دست - ها بهم زخم بود و از آن خون می آمد. ولی کم کم عادت کردم.

س - چرا اخراج شدید ؟

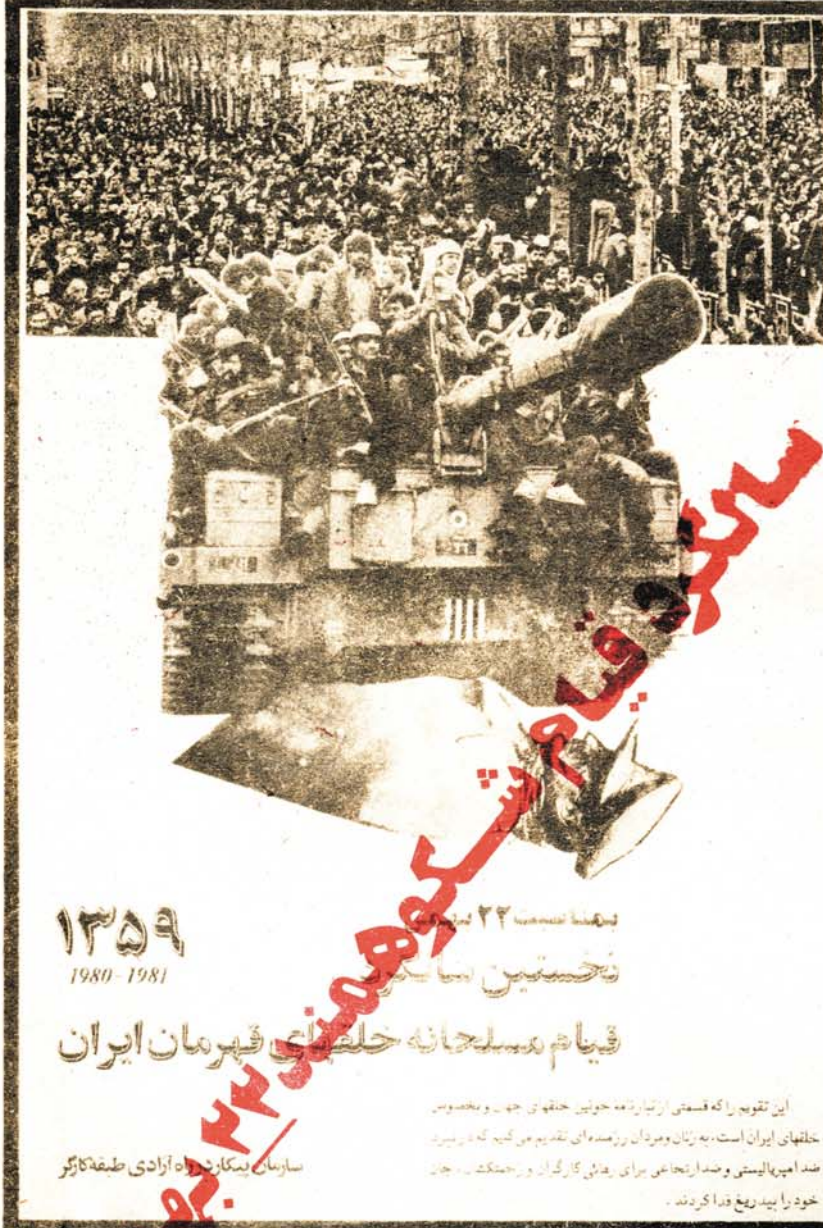
ج - بخاطر بچه ها. اول که رفتم سرکار در پسر کوچکم را پیش آنحشان میگذاشتم ولی مادام حلی ما دحرم پدرتاری میکرد، با وجود اینکه ما می ۴۰۰ تومان خرجی بچه ها را میدادم. بالاخره در زستان ان سال هردو پسر ما هم آله مرغان گرفتند. با خواهش و تمنا دوروز مرخصی گرفتیم ولی چون بچه ها بمجبور شدند مجبور شدیم چند روز دیگر هم سرکار برویم. دفعه دوم درم از رشت آمده بود. یک روز رفتم کارخانه. روز بعد که رفتم کارفرما ما سلطت غیبت زیاد مرا اخراج کرد.





## منتشر شد :

● بهاسبت اولین سالگرد قیام مسلحانه خلق ، تقویمی سیاسی که در آن روزهای مهم تاریخی ، شهادت انقلابیون بزرگ و دیگر اتفاقات مهم سیاسی ایران و جهان مشخص شده از طرف سازمان انتشار یافته است .



۱۳۵۹  
1980 - 1981

### قیام مسلحانه خلقی قهرمان ایران

این تقویم را که قسمتی از تبارنامه جوانان خلقی جهان و بخصوص خلقهای ایران است ، به زبان و مردمان رزمنده ای تقدیم می کنیم که در پیروند امپریالیسم و ضد ارتجاعی برای رهایی کارگران و روستاییان خود را پدیدریخ قذا کردند .

### کتابهای منتشر شده :

- کتاب خلق کرد چه میخواهد و چه میگوید ؟ بزبان ساده برای استفاده کارگران
- جزوه "سود ویژه و شورای انقلاب"
- کتاب "درباره" نیروهای سیاسی ترکیه " نیز بزودی منتشر میشود

## گواهی باد سالروز تبریز قهرمانانۀ سیاهکل

در ۱۹۹۰ بهمن نه سال پیش گروهی از رزمندگان قهرمان فدائیان خلق به رهبری رفیق علی اکبر صفائی ، سیاهکل را در مرز سیاهکل را مورد حمله قرار داده پس از خلع سلاح آن و سخنرانی بسرای مردم ، به پایگاه خود بازگشتند .

عمل شهرماندگی این رفقا در آن سالهای مکتوب و خاموشی اگرچه بیخاط و بیژگی مئی جریکی نمیی - توانست پشتیبانی نموده هزاران همراه داشته باشد ، اما با قرار دادن قهرمانان انقلابی در برابر قهرمانان انقلابی سنت نویسی در سیاست و بر ما هم ، مبارزاتی نیروهای انقلابی علمه رژیم مزدور را هتایت کردن و سر راه حلقهای پیوسته ، رفیق مسمی و بارها مبارزاتی و مبارزانه - ای کدلیسیرالها و حزب نموده صلح آن بودند . خط بطلان کشید .

رژیم مزدور را پس از این حمله چنان سوزناک افشاد که نیروی زیادی را برای سرکوب و دستگیری این رفقای قهرمان سیخ کرد . در جریان این سرکوبی سردها بر سرولی قهرمانان ، رفقا محمد رحیم صفائی و مهدی اسحاقی شهید و شهید دستگیر شدند .

سرانجام رژیم مزدور را تا ۱۳۴۰ رزمندگان انقلابی را که بعضی از آنها زیر شکنجه سندان رسیده بودند در ۲۵ اسفند ۲۹ بمبوان سر را از سندان اعلام کرد . این رفقای شهیدمانند را :

علی اکبر صفائی ، قهرمانی ، جلیل انفرادی ، عوسنگ سیری ، احمد فرهودی ، عباس دانش بهزادی ، محمد دلیلی ، حامد سنده خدا ، سکرووی ، از گروه جنگل ، و عشور حسن سور ، هادی قاطلی ، شعاع الله مریندی ، اسحاق علی مسمی عراقی ، ناصر سیف دلیل قهرمانی و اسکندر رحیمی ، سادان کرامی و آرماسان بیروزمان

## حمله به اجتماعات فدائیان خلق را محکوم میکنیم

در جریان برکزاری دهم سالگرد تبریز قهرمانانۀ سیاهکل در تهران و ساری و کتند ، سه اجتماعات و راهپیمائی هائی که از جانب سازمان جریکهای فدائیان خلق ترتیب داده شده بود ، حمله شده است . قتل از این سربازان هد حملات دسته های مزدور و نیروهای مترقی و انقلابی که از جانب ساد های مرتجع حاکم و حزاب و گروههای ساخته شده سازمان داده میشوند بوده ایم . این سارین دسته های مزدور که نام " حزب الله " و " خون و شمشیر " و غیره عمل میکنند با عت گشتا روز جمعی شدن عده ای سر کشته اند ، بنظر ما این گونه حملات ارتجاعی و ضد - باسی آن نتیجه ، شکست های بی دربی ساند هسای ارتجاعی و رزمندسروهای انقلابی می باشد . ما نفس محکوم نمودن این گونه اعمال ارتجاعی نه کلیه نیروهای ترقی خواه و انقلابی هندارمی دهم که بدلیل رشد و ام نیروهای انقلابی و سرخوردگی ساریان های ارتجاعی با سستی هساری خود را برای مقابله و جلوگیری از این گونه اعمال بالا بریم .

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۵۸/۱۱/۲۰

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران